

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه مسجدجامع یزد

عبّاس بگ جانی

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

چکیده

در دهلیز شرقی مسجدجامع یزد کتیبه‌ای وجود دارد که بر روی آن ابیاتی از قصیده‌ای عربی در نعت پیامبر اسلام(ص) نقش بسته‌است. منابع مختلف این قصیده را به شرفالدین بغدادی، حسن متکلم و سیدحسن غزنوی نسبت داده‌اند. در این مقاله با بررسی این منابع به ارائه شواهد و قرائنی تاریخی، سبک‌شناختی، و محتوایی پرداخته‌ایم که صحت نسبت این قصیده را به سیدحسن غزنوی تأیید می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: سیدحسن غزنوی، حسن متکلم، شرفالدین بغدادی، مسجدجامع یزد، اشعار سرگردان.

مقدمه

در دهلیز شرقی مسجد جامع یزد کتیبه‌ای هست که بر روی آن ابیاتی از قصیده‌ای عربی در نعت پیامبر اسلام (ص) نقش بسته‌است و به علت سائیدگی شدید، بسیاری از ابیات آن خوانا نیست. در منابع مختلف این قصیده به شرف‌الدین بغدادی (493/473 ق.)، حسن متکلم (741 ق.) و سیدحسن غزنوی (555 ق.) منسوب شده‌است. در این مقاله با بررسی‌های تاریخی، سبک‌شناختی، و محتوایی این قصیده و منابعی که به آن اشاره کرده یا ابیاتی از آن را ذکر نموده‌اند، شواهدی به دست داده‌ایم که به وضوح تمام نسبت این قصیده را به سیدحسن غزنوی اثبات می‌کند.

کتیبه

کتیبه مسجد جامع یزد که با خط ثلث بر روی گچ نوشته شده‌است، پیرامون سقف دهلیز شرقی مسجد قرار دارد و تاریخ کتابت آن چنین است: «تحریراً فی شهر سنة سبع و سبعین و سبعمائة هجرية نبوية [777 ق.]» (افشار، ج 2، ص 122-128؛ حمزوی، ص 72) کهن‌ترین منبعی که اطلاعی از این کتیبه به دست می‌دهد تاریخ جدید یزد (تألیف قرن نهم هجری) است. به گفته احمد بن حسین کاتب یزدی مؤلف کتاب، این کتیبه به دستور امیر شمس‌الدین محمد، پس از ساخت دهلیز شرقی مسجد کتابت شده‌است: و مرتضی اعظم امیر شمس‌الدین محمد از تبریز زیلوهای عالی جهت گنبد مقصوره قدیم بفرستاد، [...] و در سال سبع و سبعین و سبعمائة از حال [کذا] موقوفات این مسجد، دهلیز و گنبدخانه بساخت و قصیده سیدحسن متکلم ثبت کرد، ع: سلام کالطاف آل‌المجدد [کذا] (کاتب یزدی، ص 106)

اما گفته او قطعاً خطاست زیرا امیر شمس‌الدین محمد پسر سید رکن‌الدین¹ در سال 733 ق.، یک‌سال پس از مرگ پدرش، در تبریز وفات یافته‌است (افشار، ج 2، ص 552)

1. این پدر و پسر از رجال مهم یزد و صاحب موقوفات بسیار بوده‌اند. تفصیل موقوفات ایشان در وقفنامه آن دو به نام جامع‌الخیرات، به چاپ رسیده‌است.

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 47

558). گزارش صحیح ساخت این دهلیز را مؤلف تاریخ یزد (تألیف قرن نهم هجری) آورده‌است هرچند اشاره‌ای به این کتیبه ندارد. به استناد این کتاب دهلیز مذکور به فرمان نصره‌الدین یحیی بن مظفر (م 795ق)¹ ساخته شده‌است:

در سال سبع و سبعین و سبعمائه شاه یحیی ابن مظفر بفرمود که از موقوفات مسجد و از اموال خاصه خود درگاهی و جماعت‌خانه‌ای برابر مسجد عالی بساختند و درگاه تمام از خشت پخته کرد که در هیچ دیار مثل آن کسی ندیده و مولانا ضیاءالدین محمد، معمار آن بوده... (جعفری، ص 95)

ظاهراً این قصیده در قرن نهم شهرت و مقبولیتی داشته‌است زیرا براساس تاریخ جدید یزد (کاتب یزدی، ص 150) و جامع مفیدی (مستوفی بافقی، ج 3، ص 623) چند سال بعد نیز در یکی دیگر از بناهای یزد کتیبه شده‌است. این کتیبه را مولانا غیاث‌الدین علی منشی (زنده در قرن 9 ق.) از مشاهیر عصر آل مظفر و مؤلف سعادت‌نامه² در سال 784ق. برای عمارت جدید مزار جدّ خود شیخ جمال‌الاسلام³ (480 ق.) از عارفان مشهور یزد تهیه کرده بوده‌است:

و از نسل او [جمال‌الاسلام] بسیار فاضلان در دین محمدی پیدا شدند، مثل مولانای اعظم سعید غیاث‌الدین علی منشی که از فضایل عصر بود... و مزار مقدّس جدّ

1. وی از حاکمان آل مظفر و برادرزاده شاه شجاع بود. در آغاز حکومت شاه شجاع مدتی را در زندان سپری کرد اما پس از چندی آزاد شد و حکومت یزد را به دست آورد. بعد از وفات شاه شجاع مدتی بر اصفهان استیلا یافت تا اینکه مردم اصفهان که از رفتار رضایت نداشتند، او را از شهر بیرون راندند. پس از اینکه تیمور، فارس را تسخیر کرد، شاه یحیی به شیراز رفت و به فرمانروایی آن شهر برگزیده شد اما مدتی بعد در سال 795ق. در کشتار گروهی آل مظفر به فرمان تیمور به قتل رسید. وی از جمله ممدوحان حافظ نیز بوده‌است.

2. کتاب که با عنوان *روزنامه غزوات هندوستان* نیز مشهور است در سال 1379ش. به تصحیح ایرج افشار از مرکز پژوهشی میراث مکتوب منتشر شد.

3. جمال‌الاسلام محمد بن احمد بن محمد بن مهریزد از عرفای مشهور یزد در قرن پنجم هجری است که نسب او را در تواریخ یزد به انوشیروان ساسانی رسانده‌اند و در باب او به کشف و شهود قائل شده‌اند. بنابر تحقیق استاد ایرج افشار در تعلیقات جامع مفیدی (مستوفی بافقی، ج 3، ص 943-942) رشیدالدین ابوالفضل میبیدی مؤلف تفسیر کشف‌الاسرار و *عدة الابرار* به احتمال قوی از احفاد اوست.

بزرگوارش او ساخته. چهار صقّه عالی و طنبی بزرگ که مدفن شیخ‌الاسلام است و پنجره‌های آهنین بر طریق گشوده و نهر آب صواب در میان مدرسه جاری کرده و ساباط رفیع منقش بر درگاه ساخته و قصیده سیدحسن متکلم بر آن ثبت کرده که مطلع قصیده این است: «سلام کالطاف آل‌المجد» و بر کتابه درگاه تاریخ نوشته و این عمارت در سال اربع و ثمانین و سبعمائه تمام شده... (کاتب یزدی، ص 150)¹

قصیده کتیبه

قصیده‌ای که بر روی کتیبه ثبت شده‌است به زبان عربی و شامل پنجاه و هشت بیت است. این قصیده در نعت پیامبر اسلام (ص) و ذکر برخی معجزات ایشان است و با این بیت آغاز می‌شود:

سلام کالطافِ الاله المجدِّ سلام کاخلق النبی المؤید

طبقات ناصری (تألیف 658 ق.) کهن‌ترین منبعی است که در مقدمه آن، دو بیت از این قصیده به نام سیدحسن غزنوی آمده‌است (جوزجانی، ج 1، ص 61 - 64). منبع دیگری که بیتی از این قصیده به نام این شاعر در آن آمده‌است یکی از نسخه‌های سیرت رسول‌الله (تألیف قرن هفتم هجری) است. این نسخه (مورخ 776 ق.) که متعلق به استاد اصغر مهدوی، مصحح کتاب بوده‌است، در تصحیح ایشان با رمز «ط» مشخص شده‌است و ظاهراً کاتب آن احمد بن علی بن سلیمان البلدی در ذکر یکی از معجزات پیامبر بیتی از این قصیده را درباره همین معجزه و با تصریح به نام سراینده آن آورده‌است:

...سید، علیه‌السلام، اشارت کرد و آن درخت بر خود خواند، آن درخت از جای برخاست و پیش سید، علیه‌السلام، آمد، دیگر او را گفت: باز جای خود رو و قرار گیر، درخت باز جای خود رفت و قرار گرفت [ط: و سیداشرف علیه‌الرحمه هم در معجزه پیغمبر علیه‌السلام این بیت آورده‌است و نیز این ضعیف در این موضع

1. امروزه در میان بناهای تاریخی یزد جایی به نام مزار شیخ جمال‌الاسلام وجود ندارد. (افشار، ج 2، ص 323) بنا به دلائلی احتمال داده‌است که آنچه امروز در یزد به نام بقعه سهل بن علی مشهور است، بازمانده همین بناست.

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 49

مناسب دید آوردن و آن را در قلم و در اینجا گنج‌نابین مصلحت بود. شعر:
سعی الشجر المجدی علی الارض نحوه وحی عماد کالکتیب المعمد¹
(همدانی، ج 1، ص 381-383)

استاد محمدتقی دانش‌پژوه (ص 692) در مقاله‌ای در مجله راهنمای کتاب از مجموعه‌ای خطی در کتابخانه انجمن ایران و فرانسه به تاریخ 857 ق. و شماره (ش M25) خبر داده‌است که بیست‌وسه بیت از این قصیده با عنوان «من القصیده الشرفیه فی نعت نبینا محمد علیه السلام للمولی شرفالدین البغدادی» در آن آمده‌است. علاوه بر ضبط‌های دقیق ابیات در این مجموعه، در میان آنها ابیاتی هست که در دیوان چاپی سیدحسن غزنوی دیده نمی‌شود.

تاریخ جدید یزد (تألیف قرن نهم) کتاب دیگری است که درباره این قصیده سخن گفته و چنان که گفته شد آن را به حسن متکلم (م 741 ق.) نسبت داده‌است. آخرین منبعی که ابیات این قصیده در آن دیده می‌شود نسخه‌ای خطی از دیوان سیدحسن غزنوی است که به شماره ف 2227 در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود و در سال 1252 ق.² به دست کاتبی ناشناس در صدوپنجاه و چهار برگ و هفده سطر بر روی کاغذ فرنگی و به خط نستعلیق کتابت شده‌است (انوار، ج 5، ص 335-337). نسخه کتابخانه ملی کامل‌ترین و دقیق‌ترین روایت این قصیده را دارد³ اما استاد مدرس رضوی

1. بخش داخل قلاب در حاشیه متن چاپی سیرت رسول الله آمده‌است.

2. ترقیمه نسخه به این صورت است: فرغ تسوید هذا الاوراق بعون الله الخالق الرزاق فی ثلاث وعشیرین شهر جمادی الثانی فی سنة (1252) اثنان و خمسون و مائتان بعد الف من الهجرة النبویة صلی الله علیه و آله و سلم.

3. بررسی نسخه کتابخانه ملی نشان می‌دهد در میان نسخه‌های شناخته شده دیوان سیدحسن غزنوی این نسخه با وجود کتابت متأخر آن، از امتیازهایی همچون داشتن مقدمه جامع دیوان، اشعار و ابیات تازه و ضبط‌های مرجح برخوردار است و می‌تواند اساس تصحیح تازه‌ای قرار بگیرد. نگارنده مقاله که تصحیح تازه‌ای از دیوان سیدحسن غزنوی را در دست دارد پس از بررسی فهرست‌های کتابخانه‌های

در زمان تصحیح دیوان سیدحسن از آن بی‌اطلاع بوده¹ و این قصیده را در طبع خود به سال 1328 ش. نیاورده‌است. در چاپ دوم دیوان در سال 1362 ش. که به اهتمام محمد روشن و برمبنای چاپ استاد مدرّس صورت گرفته‌است این قصیده نیز به آن افزوده شده‌است. (غزنوی، ص 352)²

سراینده قصیده

چنان‌که گفته شد این قصیده در منابع مختلف به سیدحسن غزنوی، حسن متکلم و شرف‌الدین بغدادی نسبت داده شده‌است. قرائن و شواهدی که می‌توان در تشخیص سراینده واقعی این قصیده، به آنها استناد کرد در مجموع به سه دسته تاریخی، سبک‌شناختی و محتوایی تقسیم می‌شوند که در اینجا به بررسی آنها می‌پردازیم.

مختلف و گردآوری دستنویس‌های دیوان سیدحسن غزنوی، نسخه مزبور را با توجه به مجموع این امتیازات، اساس کار تصحیح خود قرار داده‌است.

1. این نسخه، نخستین‌بار در جلد پنجم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی معرفی شده که در سال 1356 (28 سال پس از چاپ نخست دیوان) به طبع رسیده‌است و احتمالاً در این زمان بوده‌است که استاد مدرّس از آن اطلاع یافته‌است. مدرّس علاوه بر اینکه استاد اصغر مهدوی را از وجود قصیده‌ای عربی در این نسخه آگاه کرده‌است (همدانی، ص 383). در بررسی این نسخه متوجه ابیاتی از دیوان سراج قمری در انتهای این نسخه شده‌است و چندی بعد این موضوع را به اطلاع دکتر یدالله شکری، مصحح دیوان سراج قمری، رسانده‌است. (قمری، ص 52)

2. علاوه بر این موارد منابع دیگری هم هستند که ابیاتی از این قصیده را بدون ذکر نام گوینده آورده‌اند. از آن جمله زنگی‌نامه اثر محمد بن محمود زنگی بخاری (زنده در 713 ق.) است که حاوی شش رساله و مقامه و مناظره است. محمد زنگی مناظره گل و مل را در این کتاب برای شخصی به نام اسمعیل پرداخته‌است که فرزند یکی از بزرگان عصر بوده و زمانی نزد محمد زنگی درس می‌خوانده‌است. وی در تحمیدیه آغاز این مناظره (زنگی بخاری، ص 52) دو بیت از این قصیده را بدون اشاره به سراینده آن ذکر کرده‌است: «اما بعد، فرزند اسمعیل - اسعد الله فی الدارین که گل بستان مهتری است و سرو میدان سروری، سلام استاد خویش محمد زنگی بخواند. سلام کالطاف الاله الممجد/ سلام کاخلاق النبوی المؤید// سلام کالحن العنادل شحرة/ یجاوبها سجع الحمام المغرد

الرسالة العلیة فی الأحادیث التوبیة تألیف کاشفی سبزواری (م 910ق.) کتاب دیگری است که چهار بیت از این قصیده بدون ذکر نام گوینده در آن دیده می‌شود. (کاشفی سبزواری، ص 29)

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 51

1. شواهد تاریخی

در بررسی درستی و نادرستی انتساب‌ها، تاریخ تألیف یا کتابت منبعی که اثر را به گوینده‌ای نسبت داده‌است، معیاری مهم و قابل اعتماد است. بدیهی است به نسبت قدمت منبع، این انتساب، اعتبار بیشتری خواهد داشت. از نظر تاریخی منابعی که قصیده را به سیدحسن غزنوی نسبت داده‌اند متعلق به قرون هفت، هشت و سیزده هستند و دو منبع دیگر که قصیده را از شرف‌الدین بغدادی و حسن متکلم دانسته‌اند، هر دو به قرن نه تعلق دارند. بنابراین پیداست که از این نظر، نسبت قصیده به سیدحسن غزنوی قابل قبول‌تر است.

2. قرائن سبک‌شناختی

بررسی اثر از دیدگاه سبک‌شناختی یکی دیگر از روش‌های قابل اعتماد در تعیین اصالت انتساب متن است. محقق در این روش به واکاوی دیگر آثار پدیدآورندگانی می‌پردازد که اثر به آنها منسوب شده‌است و از این طریق با یافتن تمایزات و تشابهات سبکی به نتیجه‌گیری دست می‌زند. لازمه این واکاوی، در اختیار داشتن مقدار قابل قبولی از دیگر آثار این پدیدآورندگان است تا مجال مطالعه‌ای سبک‌شناختی فراهم شود. در غیر این حالت، محقق ناچار است با بررسی دقیق و موشکافانه آثار برجای مانده به کشف نکته‌های ظریف سبک‌شناختی بپردازد. این شیوه‌ای است که ما در این مقاله در پیش گرفته‌ایم.

شرف‌الدین بغدادی مشهور به «ابن جزله» (م 493/473 ق.) پزشک نام‌دار قرن پنجم هجری یکی از کسانی است که این قصیده به او نسبت داده شده‌است. شغل اصلی شرف‌الدین طبابت بوده‌است و در این حوزه صاحب تألیفات متعدّد است اما به ادبیات نیز دلبستگی داشته و شعر هم می‌سروده‌است. اما از اشعار وی آن مقدار باقی نمانده است که معرف سبک وی باشد. آنچه از او به دست ما رسیده دو بیت از قصیده‌ای است که اتفاقاً در ستایش پیامبر اکرم (ص) سروده شده‌است:

وشاهر السیف قبل السیف اندرهم والناس قدعكفوا جهلاً علی هبل
 إمام معجزة قولاً و تممه فعلاً فأحکمه بالقول و العمل
 (ابن نجار، ج 19، ص 259)

می‌توان حدس زد که شهرت قصیده شرف‌الدین بغدادی در نعت پیامبر (ص) موجب شده‌است کاتب مجموعه خطی (ش 25 M) این قصیده را نیز به او نسبت دهد. شاعر دیگری که این قصیده را از او دانسته‌اند، تاج‌الدین حسن متکلم نیشابوری از گویندگان قرن هشتم و از مداحان سلاطین آل کرت در هرات است. درباره زندگی او جز گفته‌های مختصر دولت‌شاه سمرقندی (ص 268)، تقی‌الدین کاشی در خلاصه‌الشعار (نسخه خطی دانشگاه، برگ 124) و هدایت (ج 2، ص 24-25) اطلاع دیگری در دست نیست. از اشعار او نیز غیر از منظومه بحرالصنایع¹، آنچه بر جای مانده نمونه‌های معدودی است که هدایت و تقی‌الدین کاشی به نام حسن متکلم آورده‌اند و به جز دو قصیده، «به تمامی روان و دلاویز و فصیح و به همه جهات یادآور کلام فصیحی قدیم‌اند» (صفا، ج 3، ص 847). این دو قصیده که به دلیل شباهت سبکی با قصیده مورد بحث ما قابل بررسی هستند «هر دو به یک سبک و روش و با کلمات و ترکیبات عربی بسیار و اصطلاحات علمی (خاصه نجومی) ساخته شده و لحن بیان در آنها با سایر اشعار حسن مغایرت کلی دارد» (صفا، ج 3، ص 847). مطلع قصیده نخست که هم‌وزن قصیده مورد بحث ماست چنین است:

سلام علی دار ام‌الکواعب بتان سیه‌چشم عنبرذوائب

این قصیده که مورد توجه و تتبع گویندگان قرون بعد قرار گرفته‌است،² در

1. حسن متکلم در 1135 بیت در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف، آرایه‌های بدیعی را در قالب نظم شرح داده‌است. (شکیبافر، ص 131)

2. سلمان ساوجی (م 778ق.) قصیده‌ای به استقبال آن سروده‌است با این مطلع: سقی‌الله لیلاً کصدغ الکواعب لشبی عنبرین‌خال مشکین‌ذوائب (ساوجی، ص 144)؛ نظام‌الدین محمود قاری یزدی گوینده

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 53

مونس/الاحرار (جاجرمی، ج 2، ص 632 - 637) نیز به نام حسن متکلم ثبت شده‌است اما در برخی نسخه‌های دیوان منوچهری دامغانی به نام او آمده‌است (منوچهری، ص 215). استاد صفا (ج 3، ص 846) انتساب این قصیده را به حسن متکلم مردود دانسته و نوشته‌است:

این قصیده مسلماً از حسن متکلم نمی‌تواند بود، زیرا گذشته از مغایرت در سبک و داشتن لحن قصاید قرن پنجم و تأثر مستقیمی که از شیوه سخنوری منوچهری و لامعی در آن ملاحظه می‌کنیم، در مدح یکی از رجال عهد اول سلجوقی است به نام کمال الدوله ابوالرضا فضل‌الله بن محمد که تا سال 476 هجری در دیوان رسائل سلجوقیان شاعلی و از ممدوحان عبدالملک برهانی و پسرش معزی بوده‌است. استاد محمد معین با توجه به همین قرینه یعنی ممدوح قصیده، در مقاله‌ای محققانه اثبات کرده‌است که سراینده این قصیده باید معزی نیشابوری (م حدود 520 ق.) باشد. (معین، ص 390)

مطلع قصیده دوم نیز که به گفته استاد صفا (ج 3، ص 847) به واسطه شباهت با قصیده نخست و مغایرت با سبک دیگر اشعار حسن متکلم باید از شخص دیگری باشد، این است:

الایا براق الدجی برق لامع که نور تو گشت اندر آفاق ساطع
(خلاصه‌الاشعار، خطی دانشگاه، برگ 124)

بنابراین، قرائن سبکی مؤید این مطلب است که نسبت قصیده مورد بحث به حسن متکلم نادرست است و بعید نیست که مؤلف تاریخ جدید یزد آن را به علت تشابه در وزن و قافیه به قصیده نخست که به نام حسن متکلم شهرت داشته‌است، به او نسبت داده باشد.

سیدحسن غزنوی برجسته‌ترین گوینده‌ای است که قصیده مورد بحث به او منسوب

قرن نهم نیز در دیوان البسه (قاری، ص 27) در جواب آن قصیده‌ای با مطلع زیر ساخته است: لبسنا لباساً لطیف‌الجائب/ شی صوف مشکین صفت در غیاهب

شده‌است. از اشعار فارسی او حدود پنج‌هزار بیت در دست است اما از اشعار عربی او جز دو ملمّع عربی - فارسی چیزی بر جای نمانده‌است. با وجود این، قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد سیدحسین به زبان عربی تسلط داشته و اشعاری به این زبان می‌سروده‌است. از جمله اینکه وی در سروده‌های خود به تسلطش بر زبان عربی اشاره کرده‌است:

هستم دوزبان و برحقم زانک با دشمن خویش در حصارم

(غزنوی، ص 110)

تازی و پارسی معجزم از باغ علوم خشک خاری‌ست که در شاخ گل تر

(غزنوی، ص 58)

جامع دیوان سیدحسین غزنوی نیز وی را در نثر و نظم عربی صاحب آثاری دانسته و در نظر داشته‌است اشعار عربی سیدحسین را در مجموعه مستقّلی گرد آورد. با این اوصاف به نظر می‌رسد از دیدگاه سبک‌شناسی نسبت این قصیده به سیدحسین غزنوی بیشتر مقرون به صحّت خواهد بود.

3. قرائن محتوایی

بررسی محتوایی متن، قرائنی به دست می‌دهد که در رسیدن به شناسنامه آن بسیار مفیدند. هر نوع اشاره به رویدادهای تاریخی، وقایع زندگی، اعلام تاریخی و جغرافیایی از جمله عناصری هستند که در این بررسی، قرائن مورد نظر را می‌سازند. از جمله این قرائن در این قصیده بیتی است که نشان می‌دهد سراینده قصیده از سادات بوده‌است:

سلام کأنفاسی إذا كنت ناطقاً بمدح رسول الله جدّی و سیدی

(غزنوی، ص 354)

هیچ‌یک از منابعی که درباره حسن متکلم و شرف‌الدین بغدادی سخن گفته‌اند به سیادت آنها اشاره‌ای نکرده‌اند مگر تاریخ جدید یزد (کاتب یزدی، ص 105، 106) که نام حسن متکلم را به صورت «سیدحسین متکلم» آورده‌است. در مقابل سیدحسین غزنوی به

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 55

استناد غالب منابع و نیز اشارات خود وی از سادات غزنه بوده‌است و براساس این بیت سلسله انتسابش به امام حسین (ع) می‌رسد:

از پی آنکه حسن نام و حسینی نسبم کار ناسازم چون کار حسین و حسن است
(غزنوی، ص 26)

قرینه دیگری که از محتوای ابیات این قصیده به دست می‌آید نشان می‌دهد که سراینده، این شعر را در مراسم حج و در حضور حجاج قرائت کرده و یا دست‌کم به این قصد سروده بوده‌است:

ألا أيها الحجاج صلّوا و سلّموا علی من به من به فزتم بخلدٍ مخلد
و صلّوا علی اصحابه أنجم الهدی بأیهم من یقتدی فهو یهتدی

چنان‌که گفتیم درباره کلیات زندگی شرف‌الدین بغدادی و حسن متکلم اطلاع چندانی در دست نیست و به تبع آن هیچ‌یک از منابع به مسائل جزئی چون سفر حج آنها نیز اشاره نکرده‌اند اما سفر سیدحسن غزنوی به مکه و مدینه جزء وقایع مشهور زندگی او بوده‌است و در باب آن افسانه‌ها بر سر زبان‌ها بوده‌است. وی در مکه پس از انجام اعمال حج، به مدینه رفته و در کنار مرقد پیامبر (ص) ترجیع بند مشهور خود را خوانده‌است. حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده (ص 728) در نقل این واقعه به یکی از این افسانه‌ها اشاره کرده‌است:

گویند به وقت آنکه به زیارت رفته بود، به نعت آن حضرت ترجیعی «سلموا یا قوم» گفته [...] چون بدین بیت رسید:

لاف فرزندی نیارم زد ولی در خدمت مدحتی گفتم ز حضرت خلعتی بیرون فرست
دستی از قبه بیرون آمد با خله‌ای و گفت: یا بنی! خُد.

نتیجه

در دهلیز شرقی مسجدجامع یزد کتیبه‌ای وجود دارد که بر روی آن ابیاتی از یک قصیده عربی در نعت پیامبر اسلام (ص) دیده می‌شود. منابع مختلف این قصیده را به

شرف‌الدین بغدادی، حسن متکلم و سیدحسن غزنوی نسبت داده‌اند. ما در این مقاله به جست‌وجوی این قصیده در منابع مختلف پرداختیم و با ارائه شواهد و قرائن قابل اعتماد تاریخی، سبک‌شناختی، و محتوایی صحت نسبت آن را به سیدحسن غزنوی نشان دادیم.

منابع

ابن نجار، محمد بن محمود، *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد*، تحقیق قیصر ابوفرح، ج 18، دارالکتب‌العربی، بیروت 1399ق.

افشار، ایرج، *یادگارهای یزد*، دو جلد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران 1374.
انوار، سیدعبدالله، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران*، پنج جلد، کتابخانه ملی، تهران 1356.

جاجرمی، محمد بن بدر، *مونس‌الأحرار فی دقائق‌الأشعار*، تصحیح میرصالح طیبی، دو جلد، انجمن آثار ملی، تهران 1350.

جعفری، جعفر بن محمد، *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران 1343.

جوزجانی، منہاج‌الدین ابوعمر عثمان، *طبقات ناصری*، تصحیح عبدالحی حبیبی، دنیای کتاب، تهران 1363.

حمزوی، یاسر، علمی، مجید، «بررسی تزئینات کریاس شرقی مسجدجامع کبیر یزد با نگرش ویژه بر کتیبه نقاشی»، کتاب ماه هنر، ش 139، (1389).

دانش‌پژوه، محمدتقی، «قصیده شرف‌الدین بغدادی در کتیبه جامع یزد»، *راهنمای کتاب*، س 19، ش 7-10، (1355).

زنگی بخاری، محمد بن محمود، *زنگینامه*، توس، تهران 1372.
ساوجی، سلمان، *دیوان سلمان ساوجی*، تصحیح ابوالقاسم حالت، به کوشش احمد کرمی، نشر ما، تهران 1371.

سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله، *تذکره الشعراء*، تصحیح ادوارد براون، بریل، لیدن 1318ق.
شکیبافر، یدالله، «بدیع منظوم»، *آیینة میراث*، ش 46، (1389).

قصیده‌ای عربی از سیدحسن غزنوی در کتیبه ... 57

صفا، ذبیح‌الله، *تاریخ ادبیات در ایران*، فردوس، تهران 1378.

غزنوی، سیدحسن، *دیوان سیدحسن غزنوی*، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، چ 2، اساطیر، تهران 1362.

قاری، نظام‌الدین محمود، *دیوان البسه*، تصحیح میرزا حبیب خراسانی، ابوالضیاء، استانبول 1303 ق.

قمری آملی، سراج‌الدین، *دیوان سراج‌الدین قمری آملی*، تصحیح یدالله شگری، معین، تهران 1368.

کاتب یزدی، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، چ 3، امیرکبیر، تهران 1386.

کاشانی، تقی‌الدین محمد، *خلاصه‌الاشعار و زبدة‌الافکار*، نسخه خطی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، 104 ب.

کاشفی سبزواری، کمال‌الدین حسین، *الرساله العلیه فی الأحادیث النبویه*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، علمی و فرهنگی، تهران 1362.

مستوفی بافقی، محمد مفید، *جامع مفیدی*، تصحیح ایرج افشار، سه جلد، اساطیر، تهران 1385. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، امیرکبیر، تهران 1364.

معین، محمد، «بحث درباره یک قصیده و گوینده آن»، *مهر ایران*، س 7، ش 7 و 8، (1322).

منوچهری، ابونجم احمد، *دیوان منوچهری*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، چ 5، زوار، تهران 1384.

هدایت، رضاقلی خان، *مجمع‌الفصحا*، تصحیح مظاهر صفا، ج 6، بخش 1، امیرکبیر، تهران 1339.

همدانی، رفیع‌الدین اسحق بن محمد، *سیرت رسول الله*، تصحیح اصغر مهدوی، چ 2، خوارزمی، تهران 1360.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop